اخبار

توسط انتشارات پیدایش؛

رمان «نامه‌های راپونزل» چاپ شد

رمان «نامه‌های راپونزل» نوشته سارا لویس هولمز به‌تازگی با ترجمه شهلا انتظاریان توسط انتشارات پیدایش منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب یکی از عناوین مجموعه «رمان نوجوان» است که این‌ناشر چاپ می‌کند.

نسخه اصلی این‌کتاب که برنده اولین مسابقه قصه‌نویسی اورسلا نوردستروم شده، در سال ۲۰۰۷ چاپ شده است. سارا هولمز دو کتاب دیگر با نام‌های «عملیات بله» و «ساعت گرگ‌ومیش» دارد که سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۷ چاپ شده‌اند.

«نامه‌های راپونزل» داستان دختری به نام کیدنس است که به‌نوعی نسخه امروزی و مدرن افسانه گیسوکمند یا همان‌راپونزل است. او دختری تنهامانده و تَرک‌شده است که هر روز باید تا دیروقت در باشگاه تکلیف مدرسه زندانی باشد. چون کسی در خانه نیست از او مراقبت کند. این‌رمان در قالب نامه‌های کوتاه نوشته شده و این‌نامه‌ها در ۲ بخش اصلی قرار دارند؛ بخش اول «راپونزل برای رهایی تلاش می‌کند» و بخش دوم، «راپونزل دنبال پایان خوش است»

مطالب و قصه این‌رمان در واقع نامه‌هایی هستند که راپونزل به یک صندوق‌پستی اسرارآمیز به شماره ۵۶۶۷ می‌نویسد و منتظر است مثل راپونزل، طلسم پدرش شکسته شود تا شاهزاده افسانه‌ای بیاید و او را از قلعه جادوگر نجات دهد...

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

به این‌ترتیب بود که راپونزل خودش را در بالای برج ۸۲ زندانی دید، تنهای تنها با کوهی از شکایت‌نامه‌هایی که هر روز به دستش می‌رسید، به اضافه جیره روزانه‌اش شامل سوپ جو، آب شور و کاغذ تایپ ارزان‌قیمت. فهمید از او انتظار دارند جواب‌ها را با وسیله‌ای قدیمی به اسم ماشین تایپ بنویسد که تازه وقتی باران می‌آمد، دکمه‌هایش گیر می‌کرد و صدایی بلند و باورنکردنی داشت و روی ورقه‌ها لکه‌های جوهر می‌انداخت. وحشتناک بود.

اما بدتر از این کسانی بودند که دستور داشت با آنها مکاتبه کند، مثل کسانی که شاکی بودند طرح داستان «سه خوک کوچولو» زیادی ترسناک است. کسانی که فکر می‌کردند داستان «گلدیلاکس و سه خرس» به نوجوانی که می‌تواند خلافکار آینده باشد، پیامی گمراه‌کننده می‌دهد. مردمی که خاطرنشان می‌کردند «چکمه هفت لیگی» از نظر علمی غیرممکن است، به‌خصوص وقتی گربه‌ای آن را بپوشد. افرادی به «شنل قرمزی» اعتراض می‌کردند، چون مادربزرگ را شهروندی ضعیف و درمانده توصیف می‌کرد. کسانی بودند که فکر می‌کردند داستان «سیندرلا» بچه‌ها را به پوشیدن کفش‌های پاشنه‌بلند خطرناک تشویق می‌کند. به‌خصوص کسانی هم تقاضا داشتند قصه‌ها بازنویسی و پایان‌شان شاد شود.

راپونزل مجبور بود به همه آنها پاسخ دهد. این جزو کارش بود. اگر یکی از مشتری‌ها نامه می‌نوشت و می‌گفت با «پیام نخوابیدن» در «زیبای خفته» مخالف است، راپونزل می‌توانست فوری یک نامه «خیلی بد!!!» بفرستد و همین کار را هم می‌کرد.

این‌کتاب با ۱۹۲ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۳۵ هزار تومان منتشر شده است.

توقف انتشار نسخه های کاغذی مطبوعات تا پایان طرح فاصله گذاری

با توجه به شیوع کرونا در کشور و توصیه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مبنی بر فاصله‌گذاری اجتماعی، موضوع انتشار نشریات کاغذی به‌منظور بررسی و تصمیم‌گیری در دستور کمیته اطلاع رسانی و مدیریت جو روانی ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا قرار گرفت.

بر اساس مصوبه کمیته اطلاع رسانی و نظر به اینکه انتشار مطبوعات و نشریات کاغذی مستلزم فعالیت مجموعه‌ای از افراد از خبرنگاران تا فعالان صنعت چاپ و توزیع خواهد بود و این روند ممکن است به‌صورت بالقوه به شیوع بیشتر بیماری منجر شود لذا در راستای عمل به الزامات طرح ملی فاصله‌گذاری اجتماعی مصوب ستاد ملی مقابله با کرونا، نسخه کاغذی نشریات تا پایان این طرح چاپ نخواهد شد.

بر این اساس مقرر است رسانه‌های مکتوب برای تقویت جریان اطلاع رسانی و کارکرد آموزشی مقابله با کرونا همانند هفته‌های اخیر، تمام ظرفیت خود را در فضای برخط و شبکه‌های اجتماعی به کار گیرند.

کمیته اطلاع رسانی ستاد ملی کرونا مجدداً با یادآوری تلاش‌های مستمر، ۲۴ ساعته و مجدانه تمامی رسانه‌های کشور که طی هفته‌های اخیر در امر اطلاع رسانی و آموزش مردم در نحوه پیشگیری و مقابله با کرونا خوش درخشیدند و نقش مهمی را در ایجاد بستر ارتباطی مؤثر بین تمامی دستگاه‌های فعال در ستاد ملی مقابله کرونا با مردم برای هم افزایی، همکاری و مشارکت ملی ایفا نمودند تقدیر و تشکر به‌عمل می‌آورد.

یوری بوندارف نویسنده سرشناس روس درگذشت

یوری بوندارف نویسنده روس که از نویسندگانی محسوب می‌شود که در دوره اتحاد جماهیر شوروی در صف مقدم بود، در ۹۷ سالگی درگذشت. همسر یوری بوندارف از درگذشت وی در ۹۷ سالگی در خانه و در کنار خانواده‌اش خبر داد.وی رمان «برف داغ» را سال ۱۹۶۹ نوشت. رمان «ساحل» سال ۱۹۷۵ خلق شد که درباره یک نویسنده شوروی است که متوجه می‌شود زنی آلمانی که وی عاشقش بوده هنوز او را دوست دارد و به رویاهای دوران جوانی باز می‌گردد. در رمان «انتخاب» در سال ۱۹۸۰ نیز وی درباره فردی نوشته که از بیماری رنج می‌برد و خودش را در مسکو می‌کشد تا بتواند در آن شهر به خاک سپرده شود.

پشت پرده باورپذیری‌های غلط؛

بازار داغ شایعات و اخبار دروغین در فضای مجازی

امیرحسین حسینی پژوهشگر سواد رسانه‌ای در یادداشتی نوشت: شایعه پدیده‌ای اجتماعی و روانی است که به بیان مسائل پوچ و بی اساس و نشر و گسترش آنها می‌انجامد. مخصوصاً وقتی که شایعات به حریم خصوصی انسان‌ها مربوط گردد اهمیت و ریسک بالایی می‌یابد و به نوعی نیز برای اکثریت مردم جالب و جذاب خواهد بود.

فضای مجازی به دلیل وجود گروه‌ها و کانال‌های متفاوت و متنوع و هم چنین فراگیری آن در میان مردم به گونه‌ای که بسیاری از اخبار، ارتباطات خانوادگی و اجتماعی و حتی خریدها از طریق فضای مجازی صورت می‌گیرد جزئی تفکیک ناپذیر از زندگی ما شده است. متأسفانه در کشور ما به دلیل عدم آموزش صحیح و آگاهی بخشی به خانواده‌ها به راحتی اطلاعات رد و بدل می‌شود بدون اینکه درستی یا نادرستی اخبار و اطلاعات ارسالی مدنظر قرار گیرد.

عده‌ای نیز با هدف جمع آوری دنبال کنندگان در صفحات مجازی خودشان و جلب توجه مخاطبین اقدام به نشر اخبار و آمارهای نادرست می‌کنند. به همین منظور باید در میان مردم فرهنگ سازی صورت گرفته و آموزش‌های لازم به آنها داده شود تا اسیر اخبار دروغین و شایعات فضای مجازی نشوند.

تبعات انتشار اخبار دروغین و شایعات گاهی جبران ناپذیر بوده و زیان‌هایی را در بر دارد و موجب ترویج فضای نا امنی و بی اعتمادی در جامعه می‌شود. پدیده‌ای که امروزه با آن مواجه هستیم شیوع بیماری مسری و ویروس کرونا است که اخبار ضد و نقیض فراوانی را در شبکه‌های مجازی و به نقل از افراد مختلف درباره ی این نوع ویروس شاهد هستیم. فرهنگ سازی خانواده‌ها در راستای عدم باور و قبول هر نوشته، تصویر، فیلم و... در فضای مجازی بدون دلیل موجه و منطقی، سبب نجات مردم جامعه از افتادن به دام دروغ‌ها و اطلاعات و اخبار بی‌پایه و اساس می‌گردد.

شایعه به طور معمول در واقعیت و در زندگی افراد وجود دارد و از طریق ارتباطات مختلف، افراد در جامعه اقدام به انتشار شایعات می‌کنند اما فضای مجازی ویژگی‌ها و خصوصیاتی را دارا می‌باشد که اگر ما خبری را به دروغ منتشر کنیم، امکان پخش و گسترش آن توسط افراد دیگر هم وجود دارد و این کار زنجیره وار ادامه پیدا می‌کند و در نهایت این انتها هم نخواهد داشت.

در فضای مجازی هویت و شخصیت افراد در اکثر موارد غیر واقعی می‌باشد به همین خاطر افراد با نام ساختگی و جعلی یک صفحه ایجاد کرده و به راحتی اقدام به انتشار اخبار دروغ می‌کنند. به این صورت افراد با توجه به هویت جعلی که وجود خارجی هم ندارد به راحتی هر مطلب یا تصویر و فیلم دروغین را پخش و نشر کرده و مسئولیت و تعهدی هم در خصوص نشر این اخبار و اطلاعات ندارند.

با توجه به اینکه شایعات ذهن افراد را به خود درگیر می‌نمایند می‌توان گفت بهترین راه برای امنیت کاربران در برابر آمار، اطلاعات و اخبار دروغ افزایش سواد رسانه‌ای آنها می‌باشد. سواد رسانه‌ای قادر است کاربران را در مواجهه با هر مطلبی که در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود آگاهی بخشد تا واکنشی نسبت به آنها نشان نداده و سریعاً و بدون دلیل نسبت به انتشار آنها اقدامی نکنند.

معمولاً هر چقدر موضوع مورد نظر اهمیت داشته باشد میزان انتشار شایعات و اخبار کذب نیز در مورد آن بیشتر خواهد بود، کرونا بیماری همه گیری که اخیراً گریبانگیر جوامع مختلف و کشورهای جهان می‌باشد سوژه‌ی مناسبی است برای شایعه پراکنان و به قولی افرادی که از آب گل آلود ماهی می‌گیرند، بعضی از افراد سوءاستفاده‌گر نیز با استفاده از عواطف و احساسات مردم، از آن‌ها مطالبه‌ی کمک می‌نمایند و به کاربران فضای مجازی شماره حساب می‌دهند تا برایشان پول و کمک‌های مالی واریز کنند.

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نامه ۶۹ می‌فرمایند: «هرچه را شنیدی برای مردم بازگو مکن که همین برای دروغ‌گویی تو کافی است». انتشار اخبار رسمی و غیر رسمی درباره این بیماری در فضای مجازی جو روانی و نگران کننده‌ای را برای مردم پدید آورده است. گسترش شایعات به قدری ترس و دلهره را به جان افراد انداخته که هرکسی حاضر است بدترین بیماری‌ها را بگیرد اما به ویروس کرونا مبتلا نشود و متأسفانه این برداشت نیز محصول عدم آگاهی و سواد رسانه‌ای در افراد می‌باشد که هر شنیده و دیده‌ای را مبنای واقعیت قرار داده و خود را درگیر ترس و وحشت و نگرانی می‌کنند.

در شرایط به وجود آمده‌ی کنونی و شیوع این بیماری بیشتر از همیشه نیاز است تا فضای مجازی محیطی امن و سالم را برای مخاطبین به وجود بیاورد تا آرامش روانی در جامعه حکم فرما شود.

برای شناسایی اخبار جعلی و شایعات بی پایه و اساس باید به موارد زیر توجه کنیم:

۱- به سرخط اخبار شک کنیم: سرخط خبرهای جعلی اکثراً جالب و تعجب برانگیز می‌باشند، اگر سرخط خبر باور ناپذیر بود احتمال دهید که خبر جعلی باشد.

۲- منبع خبر: اگر خبر از جایی به دست شما رسیده که برایتان نامشخص و نا آشناست درباره آن اطلاعات بیشتری کسب کنید.

۳- سایت‌های وابسته به گروه‌های معاند و بیگانه: مثل رسانه‌های زنجیره‌ای، بی بی سی، من و تو و... اخبار جعلی را به طور هماهنگ تولید و پخش می‌کنند.

۴- فرمت‌های ناشناخته: اخبار ساختگی در خود خطاهای املایی و گرامری دارند و فرمت ظاهری‌شان هم غیرعادی و غیر معمولی است.

۵- پیوست و مستندات اخبار: اخبار و گزارش‌های جعلی معمولاً با اسناد و مدارک صوتی و تصویری دستکاری شده همراه هستند. می‌توانید عکس یا فیلم را در اینترنت جستجو کنید تا صحت و درستی آن را بیابید.

۶- تاریخ‌های درج شده در اخبار: در مطالب جعلی ممکن است ، زمان رخدادها دستکاری و تغییر داده شده باشند

۷- نام نویسنده مطلب: مطالبی که در آنها هیچ منبعی درج نشده و یا بدون نام نویسنده است می‌تواند نشانه‌ی ساختگی بودنِ آن باشد.

شایعات هرگز مواردی را ثابت نمی‌کنند اما می‌توانند با ایجاد بی اعتمادی، در بین مردم حوادث را در ابهام قرار دهند تا حقیقت وقایع، به راحتی و برای هر شخصی میسّر نباشد. باید توجه داشت که شایعات رایج در فضای مجازی فقط مختص مکان یا کشور خاصی نیستند و می‌توان گفت در هر نقطه‌ای از جهان که مردم، به وسایل ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند به سادگی در هر لحظه و زمانی می‌توانند اخبار نادرست و جعلی را آپلود کرده و جنگ روانی و اجتماعی را در میان کاربران به راه بیاندازند و با ایجاد فضایی موهوم و ناامن تنش‌و نگرانی را به وجود آورند. فضای مجازی هم خوب است و هم بد که با استفاده‌ی درست می‌تواند فرصتی برای شکوفایی و رشد فکری افراد باشد و منبعی برای اطلاع رسانی‌های صحیح که با آموزش به افراد و بالا بردن سواد و آگاهی آنها در استفاده از فضای مجازی می‌توان به این مهم دست یافت. در پایان باید گفت که درباره هر خبری که می‌شنویم کمی بدبین باشیم، شک کنیم و از خود بپرسیم: آیا واقعاً این اتفاق افتاده است؟

اولین بغض کودکانه من

نازیلا نوبهاری در قالب یک روایت خاطره، درباره اولین تجربه زیستی خود در موقعیت بحران نوشته است.

نوروز امسال شاید خاص‌ترین نوروزی باشد که در دو سه دهه اخیر ایران به خود دیده است. نوروزی که به دلیل شیوع بیماری کرونا و بحران اجتماعی بهداشتی پیوست با آن جامعه ایرانی را در نوعی بهت و شک فرو برده است. با این همه و به روایت تاریخ شاید نه به این ابعاد اما در ساختاری متفاوت‌تر این اولین نوروزی نیست که ایران و ایرانیان با بحران روبرو می‌شوند و انسان ایرانی در گذر جبری تاریخ روزگارش را در آن سپری می‌کند. یادداشت‌های که در بخش «روایت بحران» در خبرگزاری مهر طی روزهای اخیر منتشر می‌شود، نگاهی است متفاوت از سوی هنرمندان اهل قلم به زیست و زندگی خود در بحران. روایت‌هایی که گاه عاشقانه است و گاه تلخ. گاه گزارش‌گونه است و گاه کاملاً حس‌برانگیز.

آنچه در ادامه می‌خوانید داستانی است از نازیلا نوبهاری از نویسندگان حوزه کودک و نوجوان و خالق آثار داستانی چون یک فنجان قهوه تلخ، شب ققنوس، دوشیزه مهتاب، پیاده روهای ناهموار، روی آسفالت داغ که یک روایت خاطره‌ای درباره اولین تجربه زندگیاش در بحران را در بر می‌گیرد:

۷ سالگی برای هر شخصی مهم‌ترین بخش زندگی اوست. پایان اولین مرحله از رشد و پا گذاشتن به دنیای جدیدی که قرار است با شروع آموزش و در تعامل با دنیای بیرون از خانه تجربه شود، اما برای آنان که به سن و سال امروز من هستند ۷ سالگی ابعاد گسترده‌تری داشته است. آغازی که با یک سلسله تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی به همراه بوده است. کودکی‌های ما خیلی زود با موج این دگرگونی ها به پایان رسید و رنگ و بوی اضطراب و زندگی تنگاتنگ با یک بحران چند ساله را به خود گرفت.

چندماهی بود که سال تحصیلی آغاز شده بود و مثل هر کلاس اولی ذوق و شوق رفتن به مدرسه در دلم جوش می‌زد. لباس فرم مدرسه، سارافون آبی با آن بلوزهای سفید و یقه‌های آهارزده و ربان های خالدار و براقی که باید به موهایمان می‌زدیم در نظرم زیباترین لباس دنیا بود. دی ماه سال ۵۷ را خیلی خوب به یاد می آورم. مادرم برای تشویق من یک جفت کفش ورنی سفید که پاپیونی کوچک و صورتی روی آن خودنمایی می‌کرد خریده بود. تازه امتحانات ثلث اول تمام شده بود و کفش ورنی سفید جایزه کارنامه عالی و معدل ۲۰ من بود. هر شب با خوشحالی کفش‌هایم را توی بغل می‌گرفتم و می‌خوابیدم. صبح دوباره کفش‌ها را توی جعبه می‌گذاشتم و گوشه‌ای پنهانش می‌کردم. برای پوشیدن کفش‌ها منتظر موقعی بودم که آنها را بپوشم و به همکلاسی‌هایم نشان بدهم، اما از بخت بد درست از روزی که مادرم کفش‌ها را به من داد مدرسه‌ها به دلیل شلوغی و تظاهراتی که در سطح شهر در جریان بود تعطیل شد. چند روزی توی خانه ماندم و در هر فرصتی سراغ جعبه می‌رفتم و با لذت به برق ورنی کفش‌ها خیره می‌شدم و پاپیون صورتی آن را لمس می‌کردم، اما توی خانه هیچکس مثل من خوشحال نبود. به راحتی می‌توانستم نگرانی را در چشمان پدر و مادرم ببینم که مدام یا پای اخبار تلویزیون بودند یا گوششان را به رادیو چسبانده بودند. با اینکه درک زیادی از شرایط بحرانی آن روزها نداشتم ولی خیلی خوب آشفتگی اوضاع را احساس می‌کردم. گاهی صدای هیاهو و شلیک گلوله که شب‌ها از بیرون شنیده می‌شد مادرم را مضطرب می‌کرد و اخم‌های پدرم را در هم گره می‌زد.

بعد از چند روز خانه نشینی قرار بود برای خرید از خانه خارج شویم هوای شیراز در آن فصل سال خنک و مطبوع بود، ولی با اصرار مادرم لباس گرم پوشیدم و به جای چکمه‌های زشتِ پلاستکی که دوستشان نداشتم یواشکی به سراغ جعبه‌ی جادویی رفتم. دیگر صبرم برای پوشیدن کفش‌ها تمام شده بود... پاهایم توی کفش‌های ورنی راحت و گرم بود. انگار روی ابرها راه می‌رفتم.

دقایقی بعد هنوز مسافت زیادی از خانه دور نشده بودیم که شلوغی و تجمع مردم در پیاده روها و حاشیه خیابان‌ها مادرم را به دلشوره انداخت، این را خیلی خوب از فشار دستش که داشت انگشتانم را له می‌کرد فهمیدم. آخی! که از گلویم خارج شده بود هنوز توی هوا سرگردان بود که دستان پدرم مثل قلاب دور کمرم حلقه شد و مرا از زمین بلند کرد. آنقدر محکم بغلم کرده بود که نفسم داشت بند می‌آمد. صدای فریاد مردم که جملاتی را تکرار می‌کردند و به سمت بالای خیابان می‌دویدند هر لحظه بلندتر می‌شد. با شنیده شدن صدای شلیک تیرها که توی هوا سوت می‌کشید و دنبال مان می‌آمد پدر و مادرم شروع به دویدن کردن. از روی شانه‌ی پدرم نگاهم به خیابان و هرج و مرج پشت سرمان بود که یک دفعه قلبم از حرکت ایستاد.

لنگه کفش ورنی سفید من با آن پاپیون صورتیِ خوشرنگ کف خیابان افتاده بود. جیغی که آماده فریاد زدنش بودم با دیدن له شدن لنگه کفشم زیر پای مردمی که در حال دویدن بودن، به بغضی تبدیل شد که قلبم را شکست...

رؤیای کفش ورنی و آرزوی پُر دادن به بچه‌های مدرسه در یک چشم برهم زدنی دود شد و به هوا رفت. یک هفته تب و خوابیدن در بستر اولین خاطره‌ی من از یک روز بحران زده، درست در آغاز دورانی بود که هر روزش خاطره شد.

نگرانی از ابهامات توقف انتشار مطبوعات

تهدیدی که می‌تواند فرصت شود

تصمیم کمیته اطلاع رسانی و مدیریت جو روانی ستاد ملی مقابله با کرونا در اعلام تعطیلی نسخه کاغذی نشریات تا اطلاع ثانوی موجب ابهامات مختلفی در فضای رسانه‌ای کشور شده است.

در شرایطی که روزنامه‌های چاپی در یکی از سخت‌ترین شرایط حیات خود به سر می‌برند و شرایط قیمت کاغذ و همین‌طور رقابت نامتوازن با شبکه‌های اجتماعی بسیاری از آنها را در شرایط سخت تولید و چاپ قرار داده است؛ حالا ادامه تعطیلی تقریباً ۲۰ روزه روزنامه‌ها در انتهای سال گذشته و ابتدای سال جاری؛ شرایط را برای آنها سخت‌تر هم خواهد کرد.

یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که در روند چاپ غیرکاغذی مطبوعات وجود دارد عدم نهادینه‌شدن سیستمی فراگیر برای درآمدزایی از چاپ نسخه الکترونیکی روزنامه‌هاست. علاوه بر اینکه بسیاری از فعالان عصر مطبوعات معتقدند که اعلام دفعی و یک شبه توقف چاپ کاغذی مطبوعات منجر به بهم ریختن برنامه‌ریزی‌های قبلی آنها مثل خرید کاغذ و... خواهد شد و با توجه به اینکه این تصمیم بازه زمانی مشخصی هم ندارد؛ معلوم نیست که این تبعات تا کجا ادامه خواهد یافت. در مصوبه کمیته اطلاع رسانی ستاد ملی مقابله با کرونا آمده است نظر به اینکه انتشار مطبوعات و نشریات کاغذی مستلزم فعالیت مجموعه‌ای از افراد از خبرنگاران تا فعالان صنعت چاپ و توزیع خواهد بود و این روند ممکن است به‌صورت بالقوه به شیوع بیشتر بیماری منجر شود لذا در راستای عمل به الزامات طرح ملی فاصله‌گذاری اجتماعی مصوب ستاد ملی مقابله با کرونا، نسخه کاغذی نشریات تا پایان این طرح چاپ نخواهد شد.

مشخص نیست که اگر قرار است نشریات به سمت چاپ نسخه دیجیتال و آنلاین مطبوعات بروند؛ چگونه خبرنگاران این مجموعه‌ها از کار معاف خواهند شد. اما این تصمیم طرفدارانی هم دارد. آنهایی که معتقدند سرنوشت نهایی مطبوعات به سمت نسخه‌های آنلاین پیش می‌رود و پیش آمدن این شرایط به صورت ناخواسته گامی در جهت پیشبرد جامعه مطبوعاتی کشور به سمت روش‌های پیشرو و نوین است. راهی که نهایتاً مطبوعات ایرانی باید به سمت آن گام بردارند.

وزارت ارشاد به عنوان متولی اصلی انتشار مطبوعات در کشور هنوز به این تصمیم واکنشی نشان نداده است. اما از آنچه که تصمیمات ستاد ملی مقابله با کرونا در حکم تصمیماتی فرادستی برای همه اجزای مدیریتی کشور به ویژه دولت به شمار می‌روند بعید است که مخالفتی جدی با این تصمیم از ناحیه معاونت مطبوعاتی ارشاد وجود داشته باشد. اما محمد ایمانجانی مدیرمسئول روزنامه فرهیختگان، مهدی عرفاتی مدیرمسئول روزنامه جام‌جم و الیاس حضرتی مدیرمسئول روزنامه اعتماد درباره این تصمیم نظرات خود را با خبرگزاری مهر مطرح کرده‌اند.

محمد امین ایمانجانی مدیرمسئول روزنامه فرهیختگان در پاسخ به سوالی درباره تبعات تصمیم روز گذشته ستاد ملی کرونا مبنی بر تعطیل شدن روزنامه‌های مکتوب در کشور به منظور جلوگیری از شیوع بیماری عنوان داشت: در شرایطی بحرانی مانند وضعیت فعلی شیوع این بیماری که کشورها دچار مشکلات زیادی هستند اصلی‌ترین مجموعه‌ای که می‌تواند با افکار عمومی ارتباط برقرار کند و پل ارتباطی میان مردم و مسئولت باشد، دست به اقناع جامعه بزند و از ظرفیت روانی آن را کنترل کند و حتی ابزاری برای استفاده دولت‌ها از افکار عمومی به منظور عبور از بحران باشد، روزنامه‌ها و رسانه‌ها هستند.

وی ادامه داد: در روزهای پیش از سال نو با توجه به اتفاقاتی که در کشور رخ داد، رسانه‌های مکتوب نشان دادند که با استفاده از ظرفیت دورکاری هم می‌توانند کماکان به فعالیت خود ادامه دهند اما این مساله برای سال جدید مورد توجه تصمیم‌گیران قرار نگرفت. دولت در ند سال اخیر نشان داده که از رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های منتقد فراری است و در فضای فعلی کشور که حتی روزنامه‌ها و رسانه‌های همسو با دولت نیز منتقد آن شده‌اند، فضاسازی برای همکاری میان دولت و رسانه‌ها به منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌توانست برای دولت یک امتیاز در شرایط خاص فعلی به شمار برود که متأسفانه از آن استفاده نشد. ایمانجانی افزود: جامعه به هر تقدیر در وضعیت فعلی از خبر دور نیست و روزنامه‌ها نیز چه منتظر بشوند و چه نه باید نسخه دیجیتال خود را مهیا کنند. با توجه به اینکه فضای کار روزنامه‌ها معمولاً ارائه مطالب از سوی قشر نخبگانی به قشر عادی جامعه است، می‌شد با تمهیداتی مانند کاهش افراد درگیر با کار تولید روزنامه و یا ایجاد کانال‌هایی برای دسترسی بهتر به این تولیدات جریان اطلاع رسانی مکتوب را قطع نکرد. فراموش نشود که رسانه‌ها کادر درمانی در خط مقدم فعالیت در فضای بحرانی فعلی هستند و باید به وظیفه خود عمل کنند حتی اگر ابزار کارشان را هم از آنها بگیرند باز ناچارند که کارشان را پیش ببرند.

مدیر مسئول روزنامه فرهیختگان با تاکید دوباره بر اشتباه بودن تصمیم روز گذشته مبنی بر تعطیلی رسانه‌ها در فضای شیوع بیماری کرونا، عنوان کرد: این تصمیم اشتباه می‌توانست با ضریب تأثیر کمتری ابلاغ شود و انتشار روزنامه‌ها را می‌شد کنترل کرد. این اشتباه البته برای رسانه‌ها فرصتی شد تا دیگر ظرفیت‌های خود را فعال کنند و با ایجاد کانال‌های تعاملی بیشتر و مستحکم‌تر بتوانند فعالیت خود در فضای مجازی را تقویت کنند.

از سوی دیگر مهدی عرفاتی مدیر مسئول روزنامه جام جم از این تصمیم به دلیل موقعیت خاصی که کشور در آن دارد حکایت کرده و می‌گوید: شرایط کشور بسیار خطیر و منحصر به فرد است و فکر نمی‌کنم هیچ رسانه‌ای در ایران چنین تجربه‌ای را از حیث کاری تا پیش از این داشته باشد. از سویی ما بر این باوریم که تصمیم گرفته شده منطقی و معقول است و توزیع نسخه‌های چاپی نشریات می‌تواند به شیوع بیماری کرونا کمک کند از سوی دیگر هم ما و هم دولت و سایر تصمیم‌گیران می‌دانند که روزنامه‌های کاغذی تا پیش از این مصوبه نیز دچار بحران مخاطب بوده‌اند و با رونق فضای مجازی مشتری کمتری داشته‌اند.

عرفاتی با تاکید بر فرصت بودن این بحران و نه تهدید بودنش برای رسانه‌های کاغذی عنوان کرد: به نظر من باید مطبوعات از این تهدید برای خود یک فرصت بسازند و کارشان را تا جایی که امکان دارند ادامه دهند، اینکه مردم حتی نه الان که نهایت یک سال بعد دیگر بیش از پیش به فضای مجازی راغب می‌شوند و علاقه‌شان به خواندن متون بلند را کم کرده و بیشتر دوست دارند در فضای مجازی به سر ببرند، مسأله‌ای نیست که بشود کتمانش کرد. به همین خاطر در چنین شرایطی باید رسانه‌های مکتوب در فضاهای تازه‌ای زندگی و به فضای تحت وب و فضای مجازی بیشتر راغب شوند.

اخبار

طعم متفاوتی از خانه‌نشینی «حسرت یک آغوش»

با کتاب در حسرت یک آغوش می شود طعم متفاوتی از خانه‌نشینی و پرستاری را برای خود بسازید.

نویسنده این کتاب در یادداشتی نوشت:

«این روزها بیشتر از همیشه یاد سید محمد موسوی و زهرا رحیمی می‌افتم...

یک ماه است که به حکم ویروس نخوانده‌ای خانه‌نشین شده‌ام...

اما...»

سید محمد ۳۴سال و ۷ ماه و ۸ روز به حکم تیر نخوانده‌ای که در نخاع گردنش جاخوش کرده بود خانه‌نشین بود...

وقتی از این قرنطینه شکوه می‌کنم، به تن سالمم نظر می‌کنم و خجالت می‌کشم از سید محمد که در این ۳۴سال فقط سر و دست‌هایش، تکان می‌خورد...

و همسرش زهرا رحیمی که به اندازه همین سال‌ها در خانه ماند، از آزادی‌هایش صرف‌نظر کرد تا از همسرش پرستاری کند.

کتاب در حسرت یک آغوش عاشقانه‌ای از این زوج است که با مطالعه آن می‌توانید طعم متفاوتی از خانه‌نشینی و پرستاری را برای خود بسازید.

نام کتاب: در حسرت یک آغوش

نویسنده: سعیده زراعتکار

انتشارات: ستاره‌ها

تعداد صفحات: ۱۸۳ صفحه

پیام تسلیت مرکز اسناد دفاع مقدس برای شهادت راوی آب هرگز نمی‌میرد

سردار حاج میرزامحمد سلگی از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس و راوی کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» به یاران شهیدش پیوست.

سردار حاج میرزا محمد سلگی، جانباز سرافراز و فرمانده دلاور گردان حضرت ابوالفضل (ع) و رئیس ستاد لشکر انصارالحسین (ع) در سال‌های دفاع مقدس، صبح امروز در بیمارستان شهید بهشتی همدان به یاران شهیدش پیوست.

سردار سلگی به دلیل عوارض ناشی از استنشاق گازهای شیمیایی دوران دفاع مقدس و جراحات جانبازی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بود که امروز صبح به ملکوت اعلی پیوست.

بر اساس اعلام خانواده این سردار شهید، به منظور حفظ سلامت مردم، هیچ گونه مراسم تشییع و گردهمایی برگزار نخواهد شد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در پیامی شهادت این یادگار سرافراز سال‌های حماسه و مقاومت را به خانواده و همرزمانش تبریک و تسلیت می‌گوید. متن پیام به شرح زیر است:

بسم رب الشهدا و الصدیقین

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

سردار شجاع و دلیر اسلام «حاج میرزامحمد سلگی» هم آسمانی شد. در این روزهای سخت و در هیاهوی شیوع کرونا، خبر شهادت بزرگ مردی که اسطوره مردانگی و ایثار و الگویی بی بدیل برای جوانان بود، موجب تأثر و تالم همگان گردید.

این جانباز قهرمان که رفتارش، قدمش، حضورش و کلامش برای همگان درس‌آموز بود، یه یاران شهیدش پیوست. او به مانند دیگر جانبازان و فرماندهان شهید ایران اسلامی، اسطوره‌ای ماندگار در میدان جهاد و شهادت و دفاع از انقلاب و خط روشن ولایت بود.

جانباز سربلند «حاج میرزامحمد سلگی» در دفاع مقدس به عنوان یکی از فرماندهان شاخص و تأثیرگذار لشکر ۳۲ انصارالحسین (ع) خوش درخشید و بعد از دفاع مقدس نیز به رقم جانبازی و تحمل شرایط سخت، همواره در انتقال ارزشهای آن دوران نورانی به نسل بعدی کشور کوشا بود، تا جایی که فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای پس از مطالعه کتاب «آب هرگز نمی میرد» نوشتند: «این شرح حال یک جانبازی است که الان در همدان است و واقعاً اگر ممکن بود برای من می‌رفتم همدان دیدن این مرد!»

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس شهادت این جانباز صبور، مجاهد فداکار، مرد اخلاص، نمونه ایثار و سردار سرافراز سپاه اسلام را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، فرمانده معظم کل قوا، مردم ولایتمدار و رزمندگان استان همدان، یاران و همرزمانش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده معزز ۵ شهید سلگی تبریک و تسلیت عرض نموده و از پروردگار متعال برای این شهید سعید علو درجات و همنشینی با سیدالشهدا (ع) و برای خانواده و عموم همرزمانش صبر جمیل، اجر جزیل و عزتمندی مسالت می‌نماید.

مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهران:

جاذبه‌های گردشگری تهران بیش از همیشه در فضای مجازی دیده شد

مدیر کل میراث فرهنگی تهران گفت: در مدت حضور مردم در خانه به دلیل شیوع ویروس کرونا، توسعه گردشگری مجازی بیش از گذشته مورد تاکید وزیر میراث فرهنگی قرار گرفت.

پرهام جانفشان با بیان اینکه شاهد آن هستیم با خلاقیت دوست داران میراث فرهنگی و گردشگری جاذبه‌های تهران در قالب گشت‌های مجازی برای شهروندانی که برای شکست ویروس کرونا در خانه مانده‌اند در حال معرفی است افزود: با این حجم تبلیغات در فضای مجازی قطعاً پس از شکست کامل ویروس کرونا بازدیدهای درون استانی همشریان برای دیدار از جاذبه‌های گردشگری افزایش خواهد داشت.

جانفشان افزود: قطعاً بعد از شکست ویروس کرونا از همه فعالان فضای مجازی استان که در معرفی جاذبه‌های گردشگری تلاش کردند قدردانی خواهیم کرد.